

امام خامنه‌ای الهام‌بخش جهاد مردم عراق

سردار «هادی عامری» معروف به «ابوحسن» که این نام را از جنگ دفاعی کشورمان در برابر رژیم «صدام» به یادگار دارد، از دلیرمردانی است...



فرمانده سپاه بدر در گفت‌وگو با خبرنگار اعزامی کیهان تاکید کرد

امام خامنه‌ای الهام‌بخش جهاد مردم عراق

سردار «هادی عامری» معروف به «ابوحسن» که این نام را از جنگ دفاعی کشورمان در برابر رژیم «صدام» به یادگار دارد، از دلیرمردانی است که با آغاز تحرکات داعش در سوریه و سپس عراق، لباس وزارت در دولت «نوری مالکی» را از تن کند و لباس سبز «بدریون» را پوشید و برای نجات سرزمینش همه دوستان «بدری» را به کمک طلبید تا دشمن را که جرات کرده بود نزدیک بغداد بیاید و برای تخریب عتبات عالیات و کشتار شیعیان رجزخوانی می‌کرد، به عقب براند و اکنون توانسته با به مشورت گرفتن از برادران دینی‌اش در ایران، حتی بخش‌های زیادی از سرزمین‌های سنی‌نشین را به رغم برخی بی‌مهری‌ها از دست تروریست‌های تکفیری آزاد کند.

عامری به شدت عاشق جوانان و نیروهای مردمی است و رزمندگان نیز به او عشق می‌ورزند، او را «شیخ‌المجاهدین» می‌نامند و با دیدن او در خطوط مقدم جبهه، عنان از دست داده و به سر و رویش بوسه می‌زنند و برای تبرک به سر و صورت او دست می‌کشند و صلوات می‌فرستند.

او دو پسر و یک دختر دارد که همگی در سطح دکترا و فوق لیسانس تحصیل کرده‌اند. هر دو پسرش اسلحه در دست گرفته و سایه به سایه پدر با دشمن می‌جنگند.

اکنون (پنجشنبه) که این گفت‌وگو صورت می‌گیرد، ساعت 11 شب به وقت عراق است و در شهر سامرا در جوار مرقد مطهر و مقدس حرمین عسکریین هستیم.

سردار عامری امروز روز پرکاری در خطوط مقدم جبهه با رزمندگان داشت و دیدار با سران طوایف و قبایل سنی حویجه، کرکوک و موصل که برای عذرخواهی و ندامت از ترویج شایعات علیه سپاه بدر و رزمندگان جان بر کف مردمی و درخواست ادامه عملیات رزمندگان برای آزادسازی دیگر مناطق سنی‌نشین از دست داعش به حضورش رسیده بودند، او را به شدت خسته کرده بود، با این حال با اشتیاق تمام پای گفت‌وگوی یک ساعته با خبرنگار کیهان نشست و به سوالات ما این پاسخ‌ها را داد:

* ابتدا تشکر می‌کنم از شما از اینکه اجازه دادید در این هفت روز از خطوط مقدم جبهه بازدید و با رزمندگان باحالی که ما را به یاد هشت سال دفاع مقدسمان انداخت به گفت‌وگو بنشینیم. اولین سوال بنده در خصوص علت کناره‌گیری‌تان از مسئولیت وزارت راه در دولت است و دیگر اینکه شما حتی سال گذشته در انتخابات مجلس عراق پیروز شدید ولی بر کرسی مجلس تکیه نزدی، چرا؟

- سقوط استان نینوا توسط داعش بحران بسیار بزرگی در وضعیت سیاسی عراق به وجود آورد و باعث نگرانی مردم و حاکمیت عراق شد، به طوری که شرایط بد سیاسی عراق را بدتر از گذشته کرد و به هم ریخت. من قبل از وقوع این حادثه تلخ پیش‌بینی کرده بودم که داعش همزمان با سوریه یا با کمی فاصله زمانی به عراق نیز حمله خواهد کرد به طوری که بعد از سقوط موصل و جنوب استان کرکوک و دیاله تهدید کل عراق موضوعیت پیدا کرد. لذا بنده تشخیص دادم که با این رخداد نمی‌توان برای حفظ موقعیت و پست‌های مدیریتی با بی‌تفاوتی از کنار آن عبور کرد و نمی‌توان از پشت این میزها دشمن متجاوز را از خاک کشورمان بیرون کرد. لذا به تبعیت از رهنمودهای پیامبرگونه امام خمینی که در جنگ دفاعی خود با صدام اولویت را به جنگ می‌دادند، بنده هم به این نتیجه رسیدم که تا رفع فتنه در منطقه و بیرون راندن داعش از عراق لباس جنگ و مبارزه را بپوشم تا لباس دولتی.

* فتوای جهاد آیت‌الله سیستانی در این تصمیم شما تاثیرگذار بود یا دلایل دیگری هم برای این اراده داشتید؟
بنده یک سال قبل از فتوای آیت‌الله سیستانی تشخیص داده بودم که منطقه آبستن حوادث ناگواری است و به همین خاطر بود

که دوستانم در سپاه بدر را تشویق کردم تا برای جلوگیری از شعله‌ور شدن و گسترش و تکمیل این سناریو که به قطع و یقین می‌دانستم طراح اصلی و خالق آن آمریکا و اربابش اسرائیل هستند، برای کمک به سوریه عزیمت کنند. حتی در یک سخنرانی که در مراسم استقبال از شهدای سوریه انجام دادم تاکید کردم و هشدار دادم که اگر امروز از حریم حضرت زینب دفاع نکنیم، فردا مجبور خواهیم شد که از کل منطقه دفاع کنیم.

فتوای آقای سیستانی در شرایطی صادر شد که سه ماه قبل از آن بچه‌های مجاهد و از جمله سپاه بدر جبهه‌ای را علیه داعش در حواشی بغداد منتهی به استان الانبار گشوده و به دفاع از سرزمین‌شان مشغول بودند.

فتوای آیت‌الله سیستانی در همصدایی و هم‌نوایی با نظرات صریح رهبر معظم انقلاب اسلامی (ایران) بود، به طوری که کل جوانان مومن برای دفاع از سرزمین و ناموس و مقدسات با حضورشان به این فتوا لبیک گفتند.

* از کرسی نمایندگی مجلس چرا کناره گرفتید و به مجلس نمی‌روید، آیا این هم به خاطر شرایط جنگی است؟
من معتقدم موضوع تجاوز به سرزمین‌مان به قدری اهمیت دارد که باید کرسی نمایندگی مجلس را هم کنار گذاشت. باید هرچه زودتر نسل داعش را از کشورمان ریشه‌کن کنیم و الا همه چیز را تحت تاثیر خود قرار خواهد داد. همان‌طور که خود شما در این یک هفته از نزدیک شاهد خیلی از ماجراها بودید به رغم اینکه استان صلاح‌الدین، تکریت و مناطق دیگر را آزاد کرده‌ایم امروز خبر آوردند که داعشی‌ها دوباره به «بیجی» و «الانبار» حمله کرده‌اند. بنده موقعی به مجلس برمی‌گردم که امنیت کامل عراق تضمین شده باشد و عرض و ناموس مردم اعم از شیعه و سنی که ما را راهی مجلس کرده‌اند در امان باشد. من نمی‌توانم بر کرسی نمایندگی تکیه کنم ولی در شهرهای کشورم توسط عده‌ای جنایتکار سرها بریده شود یا ناموس مردم مورد تجاوز و خرید و فروش قرار گیرد.

* امروز در تکریت تعدادی از سران طوایف و قبایل سنی حویجه، کرکوک و ظاهرا موصل با شما دیدار کردند.
کسانی که به ملاقاتم آمده بودند از سران طوایف و عشایر حویجه و استان کرکوک بودند و درخواست ادامه عملیات تا آزادسازی همه استان‌های سنی‌نشین را داشتند که ما هم با شرایطی قبول کردیم.

* با چه شرایطی؟

در جریان آزادسازی استان صلاح‌الدین به نیروهای ما تهمت زده بودند که پس از آزادسازی به اموال مردم دست برده‌اند یا سپاه بدر را متهم کرده بودند که قصد اشغال استان‌های سنی‌نشین را دارد. در حالی که اگر این اتهامات صحت داشت پس چرا مردم فوج فوج به خانه‌ها و مزارع خودشان بر می‌گردند؟ لذا سران طوایف آمده بودند تا در برابر خبرنگاران ضمن تکذیب این ادعاها درخواست خودشان را مطرح کنند. آنها با خود شمشیر مرصعی را به نشانه صلح و دوستی و مودت میان شیعه و سنی آورده بودند که بنده نیز پذیرفتم.

* آیا می‌توان گفت که فتوای آیت‌الله سیستانی در نوع خودش یک انقلاب بود تاثیرات بیرونی این فتوا چه بود؟
- بله، قطعاً یک انقلاب بود چون اگر چنین فرمانی از سوی این مرجع عالیقدر صادر نمی‌شد معلوم نبود سرنوشت کشورمان و حتی منطقه به کجا می‌انجامید. فتوای آیت‌الله سیستانی، هم در داخل و هم در خارج تاثیر به‌سزایی داشته است. در داخل هجوم امواج خروشان نیروهای مخلص و مطیع مرجعیت به جبهه‌ها را به دنبال داشت و در بیرون نیز باعث نگرانی و به دست و پا افتادن دشمن به ویژه داعش شد.

* با توجه به تحلیل خودتان تا رفع کل فتنه، این جنگ به این زودی‌ها تمام شدنی نیست. بنابراین برای حفظ نیروهایتان نیاز به فرهنگ بسیجی دارید، فرهنگی که بتواند حتی در شرایطی که دستمزد هم به آنها داده نشد، سلاح را بر زمین نگذارند و به خاطر خدا و فی سبیل‌الله به مبارزه ادامه بدهند؟ برای این مقصود چه کرده‌اید و چه طرح‌هایی دارید؟
بچه‌های بسیجی ما به خاطر پول و حقوق به جبهه نیامده‌اند و آمادگی کامل برای ادامه نبرد در هر شرایط را دارند، حتی اگر حقوقی به دستشان نرسد. برای آنها ملاک اصلی، فتوای آیت‌الله سیستانی و اعتقاد قلبی است که به مقام معظم رهبری دارند و حقوق فرع بر این قضیه است.

ترویج فرهنگ بسیجی در میان نیروهای جوانان از ضرورت‌های این جنگ است؛ به همین خاطر به عنوان اولین قدم‌ها و آغاز این حرکت، دستور داده‌ایم محل استقرار فرماندهان حتماً باید در کنار نیروهایشان باشد تا نیروها اولاً در ارتباط مستقیم با فرماندهانشان باشند و دیگر اینکه فرمانده را از خودشان بدانند و اگر اطاعتی هم است به معنای اطاعت از ولی و پیروی از شیوه مدیریت پیامبر در جنگ با دشمنان است. در ضمن این مسئله باعث می‌شود که یک رابطه عاطفی و مرید و مرادی میان نیروها و فرماندهان ایجاد شود. می‌دانم که این کافی نیست ولی زمان بیشتری نیاز است تا به هدف اصلی خودمان برسیم.

* شما در این یک هفته که در رکابتان بودم چندین بار به بنده یادآور شدید که داعش یک غده سرطانی است، اما من فکر می‌کنم که داعش وسیله و ابزار دست استکبار است و غده سرطانی واقعی آمریکا و اسرائیل هستند. این چطور قابل توجیه است که آمریکا که ریشه اصلی این فتنه است، در داخل کشورتان تحمل می‌شود؟

- ما در اینکه داعش مولود نامشروع آمریکاست شکی نداریم. من و هم‌زمانم هرگز زیر بار دخالت آمریکا و هم‌پیمانانش در عراق نمی‌رویم و از اول هم نظرم‌مان همین بوده است.

* مطالب زیادی با هدف ایجاد تفرقه میان ایران و عراق گفته می‌شود. آخرین نمونه آن اتهام تشکیل امپراتوری در منطقه توسط ایران است و استناد می‌کنند به سخنان نابجای یکی از دولتمردان ما که اخیراً این شبهه را ایجاد کرده بود. تحلیل و نظر شما در این رابطه چیست و چقدر به صداقت ایران اعتماد دارید؟

- من باورم این است که این گفته‌ها اگر نگوییم به عمد، ولی قطعاً ناشی از جهالت است و به ضرر ما تمام می‌شود. داعش

دشمن ایران و عراق است یا به تعبیری دشمن مشترک ما است و اتفاقاً همه باید متحد بشویم برای نابودی آن. در صورتی که این فرد می‌توانست بگوید، ایران این آمادگی را دارد که با این دشمن مشترک بجنگد، اما تعبیر ایشان که عراق را به عنوان بخشی از ایران دانسته، یک اشتباه استراتژیک بود و این‌گونه حرف‌ها نباید گفته بشود. اگرچه ما معتقدیم همه تلاش‌های ایران و عراق در کل منطقه علیه داعش است، چون این غده سرطانی برای همه کشورهای منطقه خطر است.

* در مجلس عراق نمایندگان هستند که چنین تفکری دارند و با استناد به سخن نابجای این مسئول ایرانی علیه کشورمان شایعه پراکنی می‌کنند، چه پاسخی به آنها دارید؟

- البته در میان نمایندگان مجلس عراق هم مثل مجلس ایران اختلاف نظر وجود دارد. این یک چیز طبیعی در تمام مجالس دنیاست. در مجلس ما هم نمایندگان مختلفی از اقوام و طوایف مختلف وجود دارد که امکان دارد چنین تفکری داشته باشند و نظرات مختلفی را بیان کنند.

* نگاه شخصی شما به اصل ولایت فقیه چیست و در مورد مطلقه بودن آن چه نظری دارید؟

- من از همان ابتدا اعتقاد جدی به ولایت فقیه داشتم و از مقلدین شهید «محمدباقر صدر» و در برخی استفتائات هم مقلد «امام خمینی» بودم و بعد از رحلت ایشان تا این لحظه، مقلد مولایم حضرت آیت‌الله «خامنه‌ای» هستم و افتخار می‌کنم به اینکه زمانی مقلد رهبری شدم که تعدادی از دوستان و همکارانم در سپاه (بدر) هنوز مقلد رهبر معظم انقلاب نشده بودند. بنده به مرجعیت و رهبری حضرت سیدعلی خامنه‌ای و مطلق بودن ولایت ایشان اعتقاد راسخ دارم.

* این علاقه‌مندی شما به رهبر معظم انقلاب براساس چه ویژگی است که شما در ایشان دیده‌اید که این قدر مجذوبتان کرده است؟

- در این رابطه به یک خاطره اشاره می‌کنم. قبل از رحلت امام(ره) در گفت‌وگویی با یکی از دوستانم در ایران درباره جانشینی ایشان با سند و دلیل گفتم؛ تنها کسی که لیاقت این جایگاه و مسئولیت را دارد، شخص سیدعلی خامنه‌ای است. این چیز مسلمی هم بود ویژگی‌هایی از قبیل تدینشان، تواضعشان، تعهدشان و شجاعت و اقتدارشان که همه اینها شرایط و لازمه رهبری است، تنها در ایشان متعین و مسجل است.

* چه خلأهایی را در جهان اسلام در مبارزه با استکبار می‌بینید؟

- ما ابتدا باید تشخیص بدهیم که دشمن اصلی کیست و سپس این را با استدلال و مدرک به مردم و بخصوص جوانان منتقل کنیم، چون دشمن به رنگ‌های مختلف و در لباس‌های متفاوت، باتوجه به شرایط زمانی نمایان می‌شود، یک وقت در لباس القاعده در افغانستان، یک وقت در قالب گروه النصره در سوریه و امروز با نقاب داعش در کل منطقه؛ بنابراین ما باید جوانانمان را با دقت و ظرافت تمام آموزش دشمن‌شناسی بدهیم.

وقتی دشمن مشخص شد باید عزمی برای از بین بردن آن ایجاد شود و این اتفاق نخواهد افتاد مگر آنکه همه مجاهدین و طرفداران مقاومت برای نابودی این دشمن مشترک و شناخته شده که ابرقدرت‌ها پشت آن قرار دارند یک دست شوند، اما افسوس که تشخیص دشمن در میان ما مسلمانان بسیار کم‌رنگ است. درحالی که در آن طرف که آنها هم دشمن مشترکشان، یعنی اسلام واقعی را خوب شناخته‌اند، اما با این تفاوت که آنها در از بین بردن اسلام واقعی یک دل هستند و همان‌طور که مشاهده می‌کنید با مقاومت در بحرین، یمن، عراق و لبنان چه‌ها که نمی‌کنند. بنابراین ما چه لبنانی باشیم و چه بحرینی و یمنی و ایرانی و عراقی باید در جنگ با آنها به ید واحده تبدیل شویم.

* ظاهراً شما به غیر از مدرک دانشگاهی در رشته حسابداری، یک مدرک نظامی هم در «دافوس» دارید، قطعاً در ایران که بودید با خیلی از فرماندهان ایرانی هم‌دوره بودید، می‌توانید برخی از آنها را نام ببرید؟

- بله، بنده دوره دافوس را در یک مرکزی که زیر نظر سپاه اداره می‌شود گذرانده‌ام. البته کادر آموزشی ما عربی بود.

با خیلی از فرماندهان دوران جنگ تحمیلی کشور شما علیه صدام همکاری داشتم و در دوره آموزشی هم در کنار هم بودیم. کسانی مثل همین آقای دانایی فرکه هم‌اکنون سفیر کشورتان در عراق است و سرداران دیگر از جمله سلامی، ذوالقدر، قاسم سلیمانی، وحیدی و برادر عزیز جعفری و شمخانی و محسن رضایی ارتباط داشتم و باهم رفیق بودیم.

* می‌دانم که خیلی خسته هستید و دیر وقت هم هست، ولی اگر امکان دارد یکی از خاطرات خودتان را از دورانی که در ایران بودید بیان کنید؟

- خاطرات تلخ و شیرین زیادی از ایران و از دوران جنگ دفاعی شما دارم، ولی الان حضور ذهن ندارم. بعضی مواقع در خلوت یک به یک آنها را مرور می‌کنم و لذت می‌برم. یادم است بعد از آتش بس و پذیرش قطعنامه 598 خوابی دیدم. خواب دیدم که عراق به کرمانشاه حمله کرده و مردم نگران و وحشت‌زده به سمت شهر صحنه درحال فرار بودند و من هم که از تهران به کرمانشاه می‌رفتم به مردم می‌گفتم که برگردید، چون دشمن فرار کرده تا اینکه از خواب بیدار شدم و گفتم، انشاءالله که خیر است.

هنوز دو روز از این خواب نگذشته بود، سردار نقدی که آن موقع با نام مستعار «شمس» شناخته می‌شد زنگ زد و گفت خود را سریع به کرمانشاه برسانید چون دشمن وارد قصرشیرین و گیلانغرب شده و به سمت کرمانشاه درحال حرکت است. خوابم را به آقای نقدی تعریف کردم و گفتم می‌ترسم خوابم تعبیر شود و واقعاً کرمانشاه سقوط کند. ولی سردار نقدی جدی نگرفت و گفت: تمام کشورهای عربی هم جمع شوند، نمی‌توانند کرمانشاه را بگیرند.

تمام نیروهایم در سپاه بدر را به سمت گیلانغرب حرکت دادم، اما در چنین شرایطی بود که دوباره زنگ زدند که اسلام‌آباد دست منافقین افتاده، من تعجب کردم و فوری به کرمانشاه رفتم و در جلسه‌ای که مرحوم آیت‌الله «زرنندی» امام جمعه و «معین»

استاندار وقت کرمانشاه هم بودند، همگی از من خواستند که اسلام‌آباد را از دست منافقین نجات بدهم. هنوز نیرو مسافتی را به سمت اسلام‌آباد نرفته بود که سردار «احمدی مقدم» را دیدم. او دستور تغییر مسیر به طرف تنگه «حسن‌آباد» (تنگه مرصاد) را داد و گفت: اسلام‌آباد تسخیر شده و منافقین الان در تنگه حسن‌آباد (تنگه مرصاد) درحال پیشروی هستند.

به حول قوه الهی طی دو روز درگیری شدید که شهدای زیادی هم تقدیم نهضت کردیم، توانستیم منافقین را معطل کنیم تا نیروهای دیگر به ما ملحق شدند. آن روز یعنی روز سوم که منافقین آخرین تلاش‌ها برای شکستن خط می‌کردند، این تنگه را قتلگاه منافقین که عده زیادی از آنها زن بودند، کردیم. اینجا بود که متوجه شدم تعبیر خواب من این بوده، چون همسرم در تماسی که با من داشت می‌گفت در این چند روز مردم از ترسشان درحال فرار بودند. روز بعد از این پیروزی بود که رهبر معظم انقلاب به منطقه آمدند که گزارشی از جزئیات درگیری‌ها داده شد.

* شنیدم که شما دو پسر تحصیلکرده دارید که در تمامی عملیات اسلحه به دست سایه به سایه شما می‌جنگند، این درست است؟

- (با خنده) بچه‌های من در سپاه بدر نیروی آزاد هستند. پسر کوچکم «علی» فقط در زمان عملیات در جبهه حضور پیدا می‌کند، پسر بزرگم «مهدی» هم تقریباً در همه عملیات شرکت کرده است. علی مهندس است و به کارهای مهندسی عملیات رسیدگی می‌کند.

* چطور توانسته‌اید فرزندانان را با خود همفکر کنید؟

- من از همان ابتدا به بچه‌هایم اجازه گفت‌وگو و مطرح کردن نظراتشان را می‌دادم، الان هم همین‌طور است. باهم مسائل مختلف را بررسی می‌کنیم. آنها مقلد امام خامنه‌ای هستند و ایشان را خیلی دوست دارند، معتقد به نظام جمهوری اسلامی هستند و به سپاه بدر هم خیلی علاقه‌مند هستند و از همکاری با سپاه بدر خیلی خرسندند. خدا را شکر می‌کنم که بچه‌هایم در این امر مقدس جهاد همفکر هستند.

* دخترتان چطور، ایشان هم بر این عقیده هستند؟

- بله، شاید هم بیشتر از من. دخترم فوق‌لیسانس «آی.تی» است و شاید اعتقاداتش در این زمینه بیشتر و محکم‌تر از برادرانش باشد. کلاً خانواده منسجم و هم‌فکری دارم.

* و خانمتان؟

- همسرم هم با من همفکر و کمی محکم‌تر از من و در مسایل نظامی خبره کار است و برخی مواقع با من به بحث می‌نشیند.

* در ارتباط با سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان چه نظری دارید؟

- «سیدحسن» عزیز و برادر بزرگ من است و واقعاً ارادت و محبت زیادی به ایشان دارم هرچند که از لحاظ سنی من از ایشان اندکی بزرگ‌تر هستم.

من بارها گفته‌ام که اگر سیدحسن نطقی کرد و در آن نطق دستوری و فرمانی صادر کرد بر ما واجب است که اطاعت کنیم.

سید نصرالله مردی شجاع و سازش‌ناپذیر است. او ایمان عمیق و اعتقاد راسخ و قوی نسبت به رهبری دارد، به طوری که اگر رهبری فرمایشی کند، ایشان معتقد هستند که حتماً این دستور بدون کوچک‌ترین اما و اگری اجرایی شود.

* رئیس ستاد بسیج نیروهای مردمی سپاه بدر می‌گفت، تعداد نیروهای جذب شده بسیار زیاد هستند، ولی فرصت کافی برای آموزش آن‌ها نداریم. چرا نیروهایتان را برای آموزش به ایران یا لبنان نمی‌فرستید؟

- شرایط ما در این جنگ عیناً شبیه شرایط شما در اوایل جنگ تحمیلی (علیه صدام) است. یعنی برخلاف کل دنیا که نیروهای نظامی و انتظامی‌شان همیشه درحال آموزش دیدن هستند تا شاید روزی جنگی رخ دهد و از آن‌ها استفاده کنند، اما وضعیت‌مان شبیه سپاه پاسداران شما در جنگ با صدام است و همزمان با جنگ آموزش می‌دهیم.

ما از ده ماه پیش که غائله داعش آغاز شده تاکنون درحال جنگ هستیم، حتی یک ماه روزهای بدون جنگ نداشته‌ایم تا بتوانیم نفسی تازه کنیم و به سازماندهی و آموزش بپردازیم. پس از هر عملیات به نیرو مرخصی می‌دهیم و سریع به دنبال اقدامات لازم برای عملیات بعدی می‌رویم.

* به عنوان سؤال آخر اینکه اگر نیروهای حزب‌اللهی ایران بخواهند بیایند و بخواهند در رکاب شما با داعش بجنگند مجوز می‌دهید؟ مثلاً اگر من جلیقه خبرنگاری را دربیورم و اسلحه دست بگیرم اجازه می‌دهید؟

- چرا مجوز ندهیم؟ وقتی فتوا برای جهاد صادر می‌شود شامل همه می‌شود، ولی ما صلاح نمی‌دانیم چون خیلی بیشتر از انتظار نیرو داریم. ما در این مدت بحرانی عراق از دوستان ایرانی‌مان خیلی استفاده کرده‌ایم. قسم می‌خورم وجود برادران ایرانی در بین ما نعمات و برکات زیادی به همراه داشته است. به نظر من همین حرفه خبرنگاری بزرگ‌ترین جهادی است که شما می‌کنید و اتفاقاً کار تبلیغاتی شما از نزدیک‌ترین مکان به معرکه یکی از خلاءهای تبلیغاتی ما را در این جنگ نابرابر پر می‌کند. مدعیان دروغین نابودی داعش که به بهانه آن ائتلاف راه انداخته‌اند، اما کمی آن طرف‌تر تمامی رسانه‌های خود را درست در اختیار داعش گذاشته‌اند و در واقع یک جبهه رسانه‌ای را در حمایت از این جنایتکاران در مقابل رزمندگان عراقی و سوری باز کرده‌اند، پس چرا نباید رسانه‌های جبهه مقاومت دست به این کار زنند که البته امیدوارم شما و روزنامه‌تان آغازگر این جهاد فی سبیل‌الله باشید.

گفت و گو از: رحیم چوخابی زاده مقدم